

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۳۹، دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۷

دست‌های جنایتکار ساواک در پس توطئه خونین آبادان

در خاکستر و زغال جسد ۴۷۷ قربانی بی‌گناه سینمارکس آبادان
نفظ اندکی موشکافی در چگونگی حادثه دلخراش آبادان،
نقش بلند ساواک را در طرح و اجرای این قتل عام جمیع و فدای انسان
عیان می‌سازد. در حالی که چند صد زن و مرد کودک در سالن سینما
به تماشای فیلم سرگرم بوده اند، درهای سینما از پشت قفل می‌شود تا
پس از نازل شدن بلا، هیچ راه گریزی برای تئاترگران بی‌گناه باز
نماند. اگر سینما رکن در شب شنبه گذشته یک فیلم بدآموز و بیسلف
نوار سکسی محصول فرهنگ منحط غرب را نمایش می‌داد، شاید بسا
چند تن سرخی اتهام جریح رانی شده به مشت متعصب کوبه می‌سین
و آنها رهیمت نصبت داد. تازه همین یک مشت متعصب افراطی
نسر شی نیز که بی‌شک عقیده متعصب آلود و پر نیروها و محرک ایمن
حادثه باید می‌بود، به خاطر عقیده، به تعصب خویش هیچ ضرورتی
برای بستن در سینما و محکوم کردن صد هازن مرد و کودک به سرگی
تجیح نمی‌یافت. اما در شب حادثه نه یک فیلم فساد انگیز، بل یک فیلم
اجتماعی مترقی نمایش داده می‌شد، فیلمی که خود به نحوی ادعای
ای طبع این رژیم صهیون پرورش و تنگی به شکست گاه و بسراکشان اندام
است. در حالی که بنا به گفته خود بلند گو بیان رژیم که به واسطه شبای
برای سرهم بندی شرح واقعه داشته اند، در خروشان شست انبوه
تولیمات کاذبشان نمایان مانده، سینما را از چهار سو به آتش
کشیده اند تا قربانیان بی‌گناه را کاملاً در محاصره آتش قرار دهند و این
به وضوح نشان می‌دهد که هدف نه فقط سینما بلکه راضل مسرد م
بوده اند.

نخستین سؤالی که در ذهن همه رنگ می‌گیرد، این است که از
سوختن و خاکستر شدن صد هات تئاتر بی‌گناه سینما که به صدی
آشکار این سر نوشت به آنها تحمیل شده، چه کسی سود می‌برد؟
سینما و مخالفان رژیم؟

این پرسش صغره تر می‌ماند تراز آنست که حتی نیازی به طرح
آن باشد. مبارزانی که برای آزادی و سعادت مردم جان خود را
فدا می‌کنند، چگونه ممکن است خود در رژیم آنها شو ند (جلاد خلق‌های
ایران را همه می‌شناسند. تنها اوست که در اوضاع و احوال امریز که
پیش از شرفقت دیگر منزوی و روشکست و لیزان خنده، به چنین جنایتی
که بتواند هم صغیر ماهه تبلیغات وسیعی شود وهم به زخم او آزادی
خواهان را بد نام سازد، خود را نیازمند می‌بیند. فقط اوست که
می‌تواند به سائقه طبعیت خود در نهایت خونریزی و خود سوری
حکم مرگ صد هابی گناه را صادر کند و چه مرحلماً جرایم گذارد.
انگاش از توطئه خونین آبادان چه نیت و هدف مشخص دارد؟
پاسخ این پرسش در بردن آخرین نقابی است که تبه کارترین رژیم
محاصر جهان با بهره های دروغ و جنایت و شکنجه و موارضی و
ریاکاری به چهره زده است.

فاجعه آبادان درست در شرایط رخ داده است که طرح یک
توطئه جهانی علیه جنبش آزاد یخواهانه و فدایمپریالیستی خلق های
ایران مرحله به مرحله در شرف تکوین است. اکثر خبرگزاری های آزاد

فاجعه تکان دهنده و موج سینمارکس آبادان که با خون ۴۷۷ قربانی
بی‌گناه رنگین شده، برده ای از ناپهناک جنایت آمیزی است که رژیم
شاه - ساواک آن را کارگردانی می‌کند. این توطئه ابلهسی که با حمله
جنگی داران و فدایمپند های حکومتی به دانشگاه ها، به اجتماع
مخالفان استعداد، به کوهنوردان جوان، آغاز شد، با بمب گذاری
و آتش افروزی در خانه مبارزان راه آزادی و شخصیت های ملی قسوام
گرفت، با دامن زدن و شرکت فعال در ویرانگری و شکنج و غرد کردن
خانه ها و مغازه ها و دانشگاه ها و تاسیسات فرهنگی و خصوصی بس
اوج رسید و اینکه کیفیت ترین چهره خود را در فرقه ای از خون و مرگ و قساوت
در آبادان نشان می‌دهد. تمامی دلایل و گزارش های که تا این لحظه
در دسترس ماست، از حضور مستقیم ساواک و دست های دسیسه گر و
نامری دربار در این قتل عام بی‌شرمانه حکایت می‌کند. درست است که
صاحت پس از هشتاد و شش دایر بر این که "من از تمدن بزرگ باخا
می‌گویم، در حالی که مخالفان "وحشت بزرگ" راه فرسوده می‌دهند"
وحشت بزرگی که شاه می‌گوید کرده بود، بر مردم آبادان نازل شد و
انگاس نوم آن بر سر اسرکتور سایه افکند و بلافاصله پس از این
بیشتر بی‌آهسته به ربا و تحقیر صصیت باران، تمامی دستگاه های
تولیماتی رژیم با برنامه ای تقریباً یکسان، کلمات و سیاقی نظیر هم،
آوار فاجعه جنایت بار آبادان را بر سر آزاد یخواهان و مبارزان اختی
و سلطنت مطلقه خراب کرد نه تنها اشک تصاح و آه وزاری متظاهرانه، خود
راسوگوار این بله نشان دادند. در همان حال که استاند ارشاه در
خسو رستان و دیگر مقامات محلی رسماً اعلام کردند که هنوز طست
آتش سوزی سینما رکن معلوم نشده و تحقیق در این باره ادامه
دارد، در وقت یاد دستگاه های رسمی و نیمه رسمی خبری خود گمناخانه
اطلام کرد که حامل حریق و خرابکاران و مخالفان هستند. چه در نسال
این حکم که بدون ارائه هیچ بره و مدرکی عرضه شد، مقاله ها و گفتار
های دستوری بر آب و تاب در روزنامه ها و روز و و طسویین های با و
گو بی راز تو آغاز کردند که "ملت متعصب، بد اند و آگاه باشد که
بدون رژیم سر نیزه، جان و مال شما ایمن نیست. ما می‌خواهیم
فضای سیاسی مملکت را باز کنیم، اما آنها" می‌خواهند شما به سوزین و
اصار کین برگردید و باز همه خطا هر مو اهب تمدن جدید چشم ببوشید."
اما این خیمش بازی ها دیگر رسوا و پشناخته تراز آنست که حتی
ساده لوح ترین مردم را به فریبند. کیست که نداند جنایتی با ایمن
وحشتناک فاجعه آبادان تنها از دست رژیم می‌ساخته است که طی
چند ماه گذشته هزاران زن و مرد و کودک و جوان را در افسهان
و شیراز و مشهد و تبریز و قم و تهران و خرم آباد و شهبور و یزد و سا
شهبور روستای دیگری را کربار مسلسل هستند با در زیر زنجیر تانک ها به
خاک و خون کشیدند؟ کیست که این کلمات صعب و صاب انگیز شاه
نوحه امپریالیسم را فراموش کرد؟ باشد که: "اگر لازم ببینیم، مملکت
را نابود می‌کنیم تا به دست دشمن نیفتد. آنها" جز کشور می‌ساخته
ازماند نمانت نخواهند کرد.؟ و حالا این پیام شیطان در دست
می‌شود، در خون می‌بین برستان تبریز و قم و مشهد و شیراز و اصفهان،

پیروز یاد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمد رضا شاه

دعوت از همه سازمان های دموکراتیک و آزاد میخواه

برای افشای جنایت ضد بشری و هول انگیزی که دستهای رژیم تبهکار شاه در پس آن عیان است و برای روشن شدن واقعه فاجعه آبادان که ماجرای حریق رایشناک و توطئه فاشیست های هیتلری را با همه جزئیات آن تکرار کرده است، ما از تمام نیروهای ملی و دموکراتیک ایران و از تمام سازمان ها و شخصیت های آزاد میخواه و بشردوست جهان و از همه مدافعان واقعی حقوق انسانی دعوت می کنیم نمایندگان خود را برای تحقیق در پیرامون این جنایت بی سابقه و شرم آور رژیم شاه ساواک به ایران بفرستند. این موثرترین راهی است که توطئه دامنه دار رژیم جنایتکاران حرفه ای را در نیمه راه متوقف میکند و دست جلاد واقعی خلق های غیر و ستم پد ایران را در برابر جهانیان میگشاید

دست آوردن به هیچ جنایتی رویگردان نیست. و حالا مردمی که برای سرنگون کردن بساط ننگین استبداد و تاراج، با شور و دلیری انسانه ای به پیشانی تانک ها و تانک های رولند، یک بار دیگر با این هیولای تاجدار پاره شدت در خوف و ترس فرو برده اند. عکس العمل طبیعی رژیم دست نشاند شاه، توطئه ضد ملی جدیدی است که صحنه سازی های ساواک و درقه آن فاجعه سینماگر آبادان باید راه آن را هموار سازد. متأسفانه پاره ای چپ روی ها، رخنه عناصر ماجراجو و تارشیست به درون جنبش و تحریکات صهی که جلوه های گوناگون آن در برتانه وسیع شیشه شکستن ها و حمله به ساختمان ها و اماکن موسوم و مخصوص و آماج های فرعی و کم اهمیت تر نظام استبدادی آشکار شده است و صهیان بی تاب، تب آلود، افساری از خرده بورژوازی افراطی در آن به وضوح مشهود است. زمینه ای برای سو استفاده رژیم جنایتکار و سادته آشپزی های آن و جازدن توطئه های سفید خود به نام شوریدگان نهضت فراهم آورده است. رژیم شاه که پیش از هروقت دیگر خود را در تنگنا می بیند و از ضربات پهلای جنبش خلق و ضد دیکتاتوری به خود می پیچد با تمام جنید و نیرنگ خود در صدد است تا این سیل پنهان کن را که در آن نفس آزادی می تپد، به سوی آماج های فرعی و گاه به گاهی نادرست و منحرف کند، قصصی از نیروی آن را در حمله و هجوم به هدف هایی که کتر جنبه سیاسی و حیاتی دارد، به هیز ببرد، هدف های فرعی بی اهمیت و حتی مضر را به جای هدف سیاسی آرمانی جنبش در بر آورده های به حرکت در آمده و سرشار از خشم و خروش بگذارد، ویرانگری کند، بخش های کم آگاه تر مردم را دچار دغدغه و بیم نماید، افکار عمومی ایران و جهان را که با افشای جنایت و سیاسی سالیان دراز حکومت اختناق، طبعه او برانگیخته شده اند، برای توجیه خود مستعد سازد، مبارزان انقلابی را که بنیادهای استبداد سلطنتی را نشانه گرفته اند، شورش و بلو آگرو خرابکار معرفی کند و حقانیت آن ها را لوث سازد و آنگاه قیانه حق به جانب به خود بگیرد و زمینه را برای سرکوب کل جنبش فراهم آورد.

ما همواره گفته ایم و تأکید کرده ایم همان قاطعه ای که از سون تجربه های انقلابی بسیار خلق ها و زحمتکاران پیکارگر در آن نهفته است تکراری کنیم که شیشه شکستن و سنگ انداختن های بی هدف و آتش افروزی های غیر اصولی گرچه خود محصول طبیعی شرایط خشونت و اختناق است، اما به هیچ وجه مبارزه سیاسی نیست. این کجروی ها و سهل انگاری ها که بوی خرده بورژوازی صهیان کرده و همچو ل کمالا از آن به شام می رسد، تنها به استبداد و وحش و خونریزی مجال سو استفاده و دغلکاری می دهد. تبلیغات دامنه دار و زالت آمیزی که رژیم در پیرامون دست پخت فاجعه آمیز خود در آبادان به راه انداخته، صحت و استحکام این حکم را ثابت میکند. هضبار با شیم. افشا کنیم. توطئه قساوت آمیز ساواک را بسا همه نیروها و مانگان خود در برابر مردم و جهانیان بر ملا سازیم. برای پیش گیری و آمادگی در رهرو شدن با هر دمیسمه بد خواهیم و تهاجم جدید متصد شویم. این تنها حربه ما در پیکار صهیان است که خلق های ایران با نثار خون خود آن راهی اوج تازه ای رسانده اند. هر اختلاف سلیقه ها، بر خورده گویی ها و نهاد های جزئی که بر میدان نبرد باشکوہ خلق های ما با خصم زیرک و دخل سایه انداخته فائق آئیم دشمن بزرگی که در میان ماست، جدید ماست. رنگ خطری که با توطئه تبه کارانه ساواک در آبادان به طنین افتاده، این همسنگی را پیش از هروقت دیگر تصریح می کند.

ها و مطبوعات دنیای امپریالیستی صهیانی که از جنبش اوج گیرنده ملی و دموکراتیک و مدالت خواه مردم ایران در انظار جهانیان تصویر می کنند، صهیانی تیره و سیخ شده و گراخت انگیز است. آن ها بسا وقاحت جصورانه ای که خاص جهانفوران و تاراجگران خون وهستی ملل عقب نگه داشته شده است، می خواهند این طور و انصود کنند که گویا هدف ها و آرمان های مجاهدان ضد استبدادی در بستن سینماها و رستوران ها هرگز اندن زنان به زیر چادر و چاقچور و رهند و محو ظاهر تمدن جدید خلاصه می شود. آن ها شکستن شیشه های سینماها، سنگ انداختن به سوی بانک ها و حمله به کوی ملک ظنن صهیونی را که البته اقدامی است صهیانگرانه و زیان بسیار برای مبارزات مردم، با شرح و صحت و شاخ و برگ بسیار به غنچسورد خوانندگان خود می دهند و از قیام کنندگان ضد اختناق و آزاد خواهان یک مشت صهیونی هرج و مرج طلب که از سر صیری به جنگ نظم و قانون رفته اند، مترسیمی می کنند و چنین می نمایند که این طغیان کنندگان مبهوت نه تنها به مظاهر تمدن غرب خشم و کین می بریزند، بلکه دشمن غرضی همه فریبی هاستند و خون چشم آبی های آن سوی دریا ها را مباح می دانند. در کنار این صور رنگ ارتجاسی که بسرای پوشاندن قیافه رزم و آرمان های حقه مردم به غرور آند، ایران ساخته و پرداخته می شود، رژیم لیزان شاه که از شکوه و عزت و تلاش مبارزه جو پانته اوج گیرنده مردم به وحشت افتاده، برای بلندگو هسی امپریالیستی و ماشین های تبلیغاتی خود خوراک می بزد و با صحنه سازی و شمه و گری و نمایشات زرد پلانه می گوشت تا از یک سو مردم را از گمراهی و تلاطم جنبش بهینک سازد و از دیگر سو خواست ها و آرزو های واقعی مبارزان را پوشیده دارد و صدای آن ها را در طنین شیشه های شکسته و هیاهوی آتش سوزی ها و هجوم به ساختمان ها و دیگر اقدامات نیمه آتارشیستی کم آگاه ترین بخش های جنبش صهیونی خلق، نگ کند.

بدینسان زمینه های لازم برای توجیه ادامه حکومت سرنهیزه و زندان و شکنجه و حتی فراتر از این، برای یک پورش خشت آتارشیست وسیع به مردم بها خاسته و رهبران و شخصیت های آزاد پیخواه و خونریز های وسیع تر، پیگیر و بهیند های بی رویه تر و تشییع و فشار و شکنجه های وحشیانه تر آماده می شود. فاجعه دلخراش آبادان در متن این دو رنما به صورت یک ناقصی خطر در می آید که باید طنینش شوم آن کفه مبارزان و فعالین جنبش ضد دیکتاتوری و توده های وسیع مردم به خروش آمده را آگاهانه صهیانی رهبرو شدن با هسر توطئه و پورش ناگهانی کند. ادامه وضع کنونی که مترادف رشد جنبش ضد استبدادی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق های ایران و خیزش امواج آگاهی سیاسی توده ها و ورود ریز افروزی و دوار انگیز اقتصاد و گروه های تازه به میدان پیکار است، بر رژیم از رگ و ریشه فاسد و وابسته شاه - ساواک و اربابان بانکی آن ها تحمل پذیر نیست.

ادامه این وضع که مارش باشکوہ برونلاریای ایران - این بین گیرترین و قاطع ترین و اصولی ترین نیروی دموکرات ضد سلطنت مطلقه - هر روز به آن چهره ای مهاجم تر و انقلابی تر می دهد. طبقات استثمارگر راهی سخن در چار و حش ساخته - و این همان واقعه ای است که شاه ضد مردم در مصاحبه اخیر خود با خبرنگاران داخلی به آن اشاره کرد: " بعضی ها که تکرار شده اند، می گویند ما به کجا می رویم؟ " شاه توطئه اخطار کرد که تعمیق جنبش را پیش از این تحمل نمی کند و از تمام وسایل و امکاناتی که در دست دارد برای درهم شکستن آن استفاده خواهد کرد. او در گذشته بارها چهارها تهايت کرده که وقتی جنبش خلق پایه های تخت براد با سلطنت او راه لریزه در می آورد، از